

احکام و تعالیم فردی - محبت بخلق

حضرت بهاء الله



محبت بخلق

حضرت بهاء الله:

1 - " ليس الفخر لحبكم أنفسكم بل حبّ أبناء جنسكم وليس الفضل لمن يحبّ الوطن بل لمن يحبّ العالم "

(لوح حکمت)

2 - " ای اهل عالم همه باریک دارید و برگ یک شاخسار بکمال محبت و اتحاد و مودت و اتفاق سلوک نمائید . "

(ص ۲۰۳ ج ۳ امر و خلق)

3 - " ای دوستان بمنزله سراج باشید از برای عالم ظلمانی و بمثابه نور باشید از برای تاریکی با جمیع اهل عالم بکمال محبت رفتار کنید اجتناب و جدال و فساد کلّ در این ظهور اعظم منع شده " (ص ۱۰۸ دریای دانش)

4 - " با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم است . طوبی از برای نفوسی که بجبل شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضا فارغ و آزاد " .

(از طراز دوم از لوح مبارک طرازات - ص ۱۸ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

5 - " بهترین اعمال محبت با اهل عالم است " (ص ۱۱۲ ج ۸ مائده آسمانی)



TABLET

6- " باید به جمیع ناس بکمال محبت و شفقت و بردباری معاشرت کند و تکلم نماید " (ص ۱۲۴ ج ۳ امر و خلق)

7- " طوبی از برای نفسی که در لیلی در فراش وارد شود در حالتی که قلبش مطهر است از ضغینه و بغضا " (ص ۲۰ مجموعه اشراقات)

8- " محبت کارهای عجیبه و عظیمه دارد نیت خالص عمل خالص و ظهورات انقطاع و شؤونات آن کلّ از این مصدر است یعنی از محبت صادر و ظاهر و باهر و مشهود " (ص ۳۴۸ ج ۴ مائده آسمانی ط ۱۲۹)

حضرت عبدالبهاء:

1- " اعلم حقّ الیقین أنّ المحبّة سرّ البعث الإلهي والمحبّة هي التّجلیّ الرّحمانی المحبّة هي الفيض الرّوحانی المحبّة هي النّور الملکوتی المحبّة هي نفثات روح القدس في الرّوح الإنسانی المحبّة هي سبب ظهور الحقّ في العالم الإمکانی المحبّة هي الرّوابط الضّرویّة المنبعثة من حقائق الأشياء بإيجاد إلهي المحبّة هي وسیلة السّعادة الكبرى في عالم الرّوحانی والجسمانی المحبّة هي نور یهدی به في الغیب الظلمانی المحبّة هي الرّابطة بين الحقّ والخلق في العالم الوجدانی المحبّة هي سبب التّرقیّ لكلّ إنسان نورانی المحبّة هي النّاموس الأعظم في هذا الكون العظیم الإلهي المحبّة هي النّظام الوحید بین الجواهر الفرديّة بالترکیب والتّدیر في التّحقّق المادي المحبّة هي القوّة الكليّة المغناطیسیّة بین هذه السّيّارات والنّجوم السّاطعة في الأوج العالی المحبّة هي سبب الإنکشافات لأسرار المودعة في الكون بفكر ثاقب غير متناهي المحبّة هي روح الحیات لجسم الكون المتباهي المحبّة هي سبب تمدّن الأمم في هذا الحیات الفانی المحبّة هي الشّرف الأعلى لكلّ شعب متعالی وإذا وفقّ الله قوما بها يصلّین عليهم أهل ملأ الأعلى و ملائكة السّماء وأهل ملكوت الأبهی وإذا خلت قلوب قوم من هذه السّنوحات الرّحمانیّة المحبّة الإلهیّة سقطوا في أسفل درك من الهلاك وتاهوا في بیداء الضّلال ووقعوا في وهدة الخيبة وليس لهم خلال أولئك كالخشرات العائشة في أسفل الطّبقات. یا أحبّاء الله كونوا مظاهر محبّة الله ومصایح الهدی في الآفاق مشرقین بنور المحبّة والوفاق ونعم الإشراق هذا الإشراق " (لوح محبت، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد 1، ص 24)

2- " محبت نور است د رهر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید ".

(ص ۴۳ قسمت اول خطابات مبارکه)

3- " نظر به نقصان خلق نکند بدیده کمال نظر نمائید. هر چند ضعیف ناداند و سست در عهد و پیمان اما شما نظر به بزرگواری کنید و خوشرفتاری نمائید. عزّت و احترام دارید و رعایت و خدمت کنید. خود را خادم

دانید . جمیع خلق را مخدوم شمردید . خود را ناقص گوئید و عالمیان را کامل بینید یعنی نوعی رفتار کنید که شخص ناقص احترام انسان کاملی نماید و حقیری در مقابل کبیری رفتار کند. این است وصیای جمال مبارک و نصاب اسم اعظم روحی لعباده الفداء " (ص ۹۳ ج ۳ امر و خلق)

4- " مهر و وفا و شفقت و محبت نصاب پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل بها بفداکاری و جانفشانی مامور. عدالت محبوب و مطلوب بوده و هست ولی مومنین و مومنات در این عصر نورانی باین امر مامور ضعیف ما ینفعک و خذ ما ینتفع به العباد ."

(ص ۴-۱۶۳ اخلاق بهائی)

5- " زخم ستمکاران را مرحم نهید و درد ظالمان را درمان شوید اگر زهر دهند شهد دهید. اگر شمشیر زنند شکر و شیر بخشید. اگر اهانت کنند اعانت نمائید. اگر لعنت نمایند رحمت جوئید . در نهایت مهربانی قیام نمائید و باخلاق رحمانی معامله کنید و ابا بکله ریکی در حقشان زبان نیلائید ." (ص ۲۲۸ ج ۳ امر و خلق)

6- " در هر دوری امر بالفت بود و حکم بجهت ولی محصور در دائره یاران موافق بود نه با دشمنان مخالف . اما الحمدلله که در این دور بدیع اوامر الهیه محدود بحدی نه و محصور در طائفه ای نیست . جمیع یاران را بالفت و محبت و رعایت و عنایت و مهربانی بجمیع امم امر میفرماید. حال احبای الهی بموجب این تعالیم ربانی قیام کنند . اطفال بشر را پدر مهربان باشند و جوانان انسان را برادر غمخوار گردند و سالخورده گان را اولاد جانفشانش شوند. مقصود این است که باید با کلّ حتی دشمنان بنهایت روح و ریحان محبّ و مهربان بود . در مقابل اذیت و جفا نهایت وفا مجری دارید و در موارد ظهور بغضاء بنهایت صفا معامله کنید. سهم و سنان را سینه مانند آئینه هدف نمایند و طعن و شتم و لعن را بکمال محبت مقابلی کنید تا جمیع امم مشاهده قوت اسم اعظم نمایند و کل ملل معترف بقدرت جمال قدم گردند که چگونه بنیان بیگانگی برانداخت و امم عالم را بوحدانیت و یگانگی هدایت فرمود و عالم انسانی را نورانی کرد و جهان خاک را تابناک فرمود. این خلق مانند اطفالند و بی باک و بی پروا . باید بکمال محبت این اطفال را تربیت کرد و در آغوش رحمت بجهت پرورش داد تا شهد روحانی محبت رحمانی بچشند و مانند شمع در این عالم ظلمانی بدرخشند " (ص ۶-۲۰۵ ج ۱ مکاتیب حضرت عبدالهء)

7- " سیاست الهی مهربانی بجمیع بشر بدون استثناء . آن سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدسه رحمانیه "

(ص ۳۰۵ ج ۳ امر و خلق)

8- " هو الله ای احبای الهی اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و رحم و مروت و مهربانی بهر نفسی است پس بجان و دل باید بکوشید تا بعالم انسانی من دون استثناء محبت و مهربانی نمائید مگر نفسی که غرض و مرضی دارند . با شخص ظالم و یا خائن و یا سارق نمیشود مهربانی نمود زیرا مهربانی سبب طغیان او میگردد نه انتباه او . کاذب را آنچه ملاطفت نمائی بر دروغ میافزاید گمان میکند که نمیدانی و حال آنکه میدانی ولی رأفت کبری مانع از اظهار است " (ص ۲۱۱ ج ۳ مکاتیب)

9- " عداوت و دشمنی بعضی نفوس را بهانه نمائید و از آنچه مکلف به آن هستید از مودت جمیع نفوس و مهربانی با جمیع خلق و صداقت با کل بشر و خیرخواهی عموم اهل عالم از هر ملت و مذهب و آئین رو بر نگردانید " (ص ۱۱۵ فضائل اخلاق)

10- " باید یاران الهی مجذوب و مفتون یکدیگر باشند و جانفشانی در حق یکدیگر کنند . اگر نفسی از احباً بدیگری برسد مانند آن باشد که تشنه لبی بچشمه آب حیات رسد و یا عاشقی بمعشوق حقیقی خود ملاقات کند " (ص ۱۶۴ اخلاق بهائی)

حضرت ولی امر الله:

1 - " مردم هرگز امر عزیز الهی را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه امر درست همان چیزی را بیابند که جهان امروز فاقد و عاری از آن است یعنی محبت و یگانگی " . (ص ۲۹ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوب)